

ساسانیان

شیوه بیانی هنرآفرینان زمان ساسانیان حاکی از آنست که در موسیقی و طرق استفاده از نواها و ابزار موسیقی، در اشکال مختلف، اعم از موسیقی سازی و موسیقی آوازی، و اجرای آواز با ساز انجام می‌شده است.

آواز به چند معنا آمده است:

۱- خوانندگی و تغنیی

۲- بانگ، نوا، صوت، آوا

۳- لحن و آهنگ

۴- نوعی از موسیقی که وزن آزاد داشته و در قدیم به آن نواخت می‌گفتند.

۵- در تقسیمات سه گانه موسیقی قدیم ایران بنوعی اطلاق می‌شده است که به آن آوازه می‌گفتند، این تقسیمات عبارت بوده‌اند از: (مقام، شعبه، آوازه)

و آوازه مشتمل بوده است بر شش لحن و از این قرار: گردانیه، گوشت (بر وزن خورشفت)، نوروز، سلمک، شهناز و مایه.

۶- در موسیقی دستگاهی امروزی، آواز به نوعی خواندن اطلاق می‌گردد که احتمالاً بی‌وزن است و از گوشه‌هائی تشکیل می‌شود و معمولاً خواننده گوشه‌ای را می‌خواند و یک ساز آواز وی را همراهی می‌کند. اجرای گوشه‌های آواز نیز بوسیله ساز متداول است.

بدین ترتیب روند تکاملی هنرها، بعد از حمله اعراب به ایران دچار رکود و وقفه شد و هنرهای مختلف از قبیل، صورت نگاری، موسیقی، تئاتر، رقص و پیکر تراشی بعلت منافات داشتن با نظریه هنر در اسلام، به هیچ انگاشته شدند و زخمی که بر پیکر سرشت زیبای انسانی بعلت این ممنوعیت در طول قرنهای گذشته وارد آمد هنرمند را از داشتن زیباترین احساس بشری برکنار داشت، و این هنرها را در جهت دیگری سوق داد که رشد تا حدود معینی، امکان پذیر بود. بدین ترتیب موسیقی، در این زمان از دسترس عامه خارج و هر شکل اجرای آن در ملاءعام ممنوع و تحریم شد و تنها بین اعضای یک خانواده هنر می‌توانست انتقال یابد، از پدر و مادر به فرزند، که این آموزش نیز محدود بود و امکان رشد نداشت.

امکانات ساخت ابزار موسیقی نیز بدون شک فقط در روابط خصوصی میسر بوده است و بدین صورت امکان رشد و تکامل در رشته‌های ذکر شده، دور از ذهن می‌باشد. ایرانیان صدر اسلام توانستند اندکی از آن گنجینه‌ی هنری ای که وجود داشت و در دسترس بعضی از افراد بود انتقال دهند. که آنهم کامل نبود و همگان نیز هنرمند نبودند و خیلی‌ها هم به اسارت لشکر اعراب درآمدند و یا در جریان این واقعه کشته شده بودند و در نتیجه دسترسی به آثار هنری و کتابها هم میسر نبود چون تمام کتب و اسنادی که بنحوی از انحاء در تقابل با نظریه هنر در اسلام بود سوزانده شدند یا به آب افکندند و بالبطع یک نفر نیز نمی‌توانست پس از گذشت یکصد سال از این واقعه تمامی نکات یک هنر را فراگیرد. در این مقطع تاریخی، که هنرها در مسیر خود در جهت بارور شدن و رشد بسوی تکامل بودند، عوامل سازنده‌ای که می‌بایست به این حرکت کمک می‌کردند، به نقطه ایستا رسیدند. از عوامل مهمی که می‌توان نام برد، زمینه‌های فکری و اجتماعی آن زمان نسبت به هنر، که تاثیر پذیرفته از مذهب زرتشت بود،که خود یکی از عوامل رشد برای شعر و موسیقی و دیگر هنرها بشمار می‌آمده و منافاتی با هنر نداشته بلکه خود مشوق آن نیز بوده، و از درون جامعه برخاسته بود، و مانند بینش مذهبی جدید عواملی را از نظر منع موسیقی و سایر هنرها با خود به همراه نداشت.

دیگر می‌توان در شرایط طبیعی جامعه از اقتصاد نیز نام برد، که عاملی بسیار مهم در سازندگی هنر می‌باشد چه اگر طبقه هنرمند از امکانات زندگی برخوردار باشد، و دغدغه خاطری برای معیشت زندگی و بقای فردای خود نداشته باشد، با آسایش خاطر بیشتری به خلق آثار هنری می پردازد.

بی تردید هنرمندی که در حیطه حمایت هنرپروری بسر می‌برد، به خواست او هنر می‌آفریند و موضوع‌های هنری او نیز اکثر مانند قالب و مفهوم آنها تابع مقتضیات زمان و مکان هنرپروران می باشد، و برخورد هنرهای مختلف با یکدیگر نیز در روند آنها بی‌تاثیر نمی‌باشد. خلق یک اثر بسته به وجود هنرمند است و ظهور هنرمند مستلزم بودن جامعه هنرپذیر می‌باشد، و اگر هنر دوستانی در میان نباشند، هنرمندان ناگزیر از سکوت می‌شوند، و یا حداقل نمی‌توانند آثار بزرگ خلق کنند، زیرا هنرمند مانند هر انسان دیگری برای ابراز شخصیت هنری خود مشتاق است که آثار او مورد توجه قرار گیرند. اهمیت گروه‌های هنرپرور، در تاریخ هنر چندان است که باید اختلاف سبک‌ها و سایر تحولات هنری را بیشتر در وضع و دگرگونی تحولات این گروه‌ها جست، تا در ملیت یا سنن و مراکز هنری.

زمانی که شرایط اجتماعی ایران دگرگون شد و سلسله ساسانی منقرض گردید، هنرها از پشتیبانی اجتماعی محروم شدند و هنرمندان بالا جبار پس از مدتی به حاکمان جدید یعنی اعراب روی آوردند و هنرها در خدمت اربابان جدید قرار گرفتند. موسیقی وضعی بسیار اسفناک داشت و جایی برای عرض اندام به صورت منطقی پیدا نکرد و جدا از بقیه رشته‌های دیگر بود، و بر اثر تحریم و تحقیر موسیقی و صورت‌سازی، هنرمندان این دو رشته به دیگر هنرها روی آوردند و در نتیجه هنر تذهیب و کاشی‌سازی و قالی‌بافی ترقی کرد.

قرآن کریم، در مورد موسیقی، از معجزه حضرت داوود، که صوت خوش بوده است یاد می‌کند و اشاره مستقیمی که دال بر تحریم موسیقی باشد نیز در آن یافت نمی‌شود. ولی چرا و چگونه این نظریه رواج یافت. شاید بتوان فقط از بخت بد گله کرد، که قومی که به ایران حمله کرد، فاقد فرهنگ والاتری نسبت به ایرانیان بود، و از نظر سطح فرهنگی و هنری ابتدائی‌تر، و در آن زمان مسائل مهمتری برای اعراب وجود داشت که تسخیر سرزمین‌های بیشتر و ترویج اسلام بوده است. نتیجتاً چون نسبت به موسیقی و سایر هنرها بینش و شناختی وجود نداشت، دیگر جائی برای پرداختن به آن باقی نمی مانده است. امام محمد غزالی که یکی از بزرگترین دانشمندان اسلامی است،گفتار جامع و مبسوطی، در مورد حلال بودن موسیقی، در کتاب (کیمیای سعادت)نگاشته و یکی از پیامبرانی که مورد تایید اسلام نیز هست، موسیقیدان بوده است.

در فصل‌های بعدی درباره مسئله موسیقی در تشیع بیشتر بحث خواهیم کرد.

در طول دوران اسارت بار ایرانیان بدست اعراب، بارها ایرانیان علم طغیان بر فراشتند و در گوشه و کنار تا فرصتی بدست می‌آوردند، نطفه‌های مقاومت را در مقابل سپاه اعراب تشکیل می‌دادند. در این رستاخیزی که شروع شده بود، ابومسلم را می‌توان پرچمدار و آغازگر مبارزه علیه اعراب دانست و دیگر از جنبش‌ها راوندیان بودند که می‌خواست‌اند انتقام خون ابومسلم را بستانند. و سنیاد، که قیام او بیش از ۷۰ روز طول نکشید. و دیگر قیام پرشور استاذسیس خراسانی که باز هم تحت عنوان خونخواهی ابومسلم شروع شد، و قیام مردم طبرستان در سال ۱۶۹ هجری که بوسیله دو سردار ایرانی بنام‌های اسپهبد شروین و هرمز آغاز شد. در سال ۲۰۵ هجری بابک خرم‌دین قیام کرد و برعلیه اعراب جنگید و شکست سختی به آنان وارد آورد. نهضت خرم‌دینان هر چند موفق نشد، دستگاه خلافت عربی را براندازد اما ستون قدرت خلافت را به لرزه درآورد و بنیان حکومت آنان را در ایران سست کرد.

در اوائل سلطه اعراب بر ایران می‌بینیم که شورش‌های مردم صرفاً بر ضد مهاجمان عرب بوده و مردم ساده در این مورد با اشراف زمین‌دار دیرین (طبقه دهگان) اتحاد نظر داشتند. و این همگامی تا زمان استقلال یافتن ایران نیز دوام آورد. استاری کوف در تحقیق خود در مورد شاهنامه فردوسی اشاره می‌کند، که در این دوره عوام،به امید رهائی از سلطه اعراب با اشراف همکاری می کردند و اشراف نیز همکاری آنان را لازم می‌شمردند. سرانجام شورشهای مکرر مردم ایران، بر ضد مهاجمان عرب موثر افتاد، و در قرن سوم اسلامی، ایرانیان در بخشی از ایران استقلال یافتند.

نخستین فرمانروایان ایران اسلامی، به تبعیت از پیشینیان خود، و برای تحکیم حکومت خود در برابر حکومت بغداد و ارضاء حس جاه طلبی خویش، خود را نیازمند تبلیغ یافتند و هنر وسیله‌ای شد که‌آوازه توانگری و توانائی ایشان را به گوش مردم برساند. و جامعه را تخذیر و مرعوب کند، و برای تبلیغ عظمت خویش قصه گویان و خطیبان و شاعران را به خدمت گرفتند، و هنرمندان اجباراً برای تثبیت مقام منزلزل خود به لاف زنی و تنگ نظری و بخیلی و دشمنی متشبت شدند. چون وضع معیشت هنرمند، یکی از عواملی است که او را وادار به ترک جهان بینی و هنر طبقه خود می‌کند، هنرپروران یا قشرهای هنرپرور طبقه فائق جامعه نیز از این مقوله به نفع خود سود جستند، در نتیجه آن مدح و ذم شاعرانه رواج یافت.

نگرش نقادانه به مناسبات اجتماعی مرزهای اندیشه هنرمند را گسترش می‌دهد و او را از تنگنای طبقه و جامعه خود فراتر می‌برد، و با واقعیت اجتماعی زمان خود آشنا می‌سازد. ولی اگر بینش هنرمند، دچار انحراف شود، آگاه یا ناخودآگاه واقعیت دگرگون شده و قلب می‌گردد. در این زمان «شعر و شاعری» خادم تفننات و شهوات خداوندان زور و زر گردید، و به تصنع و رکاکت گرائید. و بسیاری از شاعران به صورت دلچکانی درآمدند، و شعر سرائی بقدری به ابتذال و فرومایگی درآمیخت، که با هر چیز زشت و ناپسندی ملازمت یافت.

تنزل مقام هنرمند، باعث شد که اشراف حتا آنان که خود هنرمند بودند، واژه هنرمند را خوار دارند. در ایران ساسانی و اسلامی، چون شاعری بازمانده خنیاگری بود، فرمانروایان و دانشوران از قبول عنوان «شاعر» پرهیز می‌کردند. بعدها شعر متکلف اشرافی پدید آمد و از شدت این پرهیز کاست.

در مشرق به عللی که باید در جامعه شناسی تاریخی جستجو نمود، طبقه سوداگر هیچگاه تاکنون نیز کاملاً بر طبقه زمین‌دار چیره نشده است.

هنرمندان تا اواسط قرن ۱۸ میلادی بندرت توانستند از محدوده خاص هنرپروران اشرافی پا بیرون نهند تا از هنر مدحی یا تبلیغی برهند.

شاید در برخی از مراحل، تنها معدودی از هنرمندان توانستند اندکی از خواسته‌های پشتیبانان اشرافی خود فاصله بگیرند و با الهام از منابع مردمی، آثاری نسبتاً واقع گرای بیافرینند. مداحی با آنکه گاهی به نتایج مثبت می‌انجامد و مثلاً ممدوح را به اصطلاح خود یا کاری سودمند بر می‌انگیزد، اغلب منشا فساد هم می‌تواند باشد.

*** سری مقالاتی که در مورد موسیقی از نظر تان می‌گذرد از کتاب موسیقی ایرانی از نگاهی دیگر ، نوشته داریوش افراسیابی است.**

www.DAFRASIABI.com

منبع : ایران استار

www.IranStar.com